

تشکیلات نهاد رأس الجالوت در شرق اسلامی^۱

نگار ذیلابی^۲

استادیار دانشگاه شهید بهشتی، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

رأس الجالوت/ رأس جالوت رئیس جامعه یهودیان ساکن در سرزمین‌های شرقی و واسطه سیاسی و اداری میان حکومت‌ها و اتباع یهودی آن‌ها بود. این منصب در دوره ساسانیان دارای تشکیلات سیاسی و اداری منسجمی بود و پس از اسلام هم در ساختار تشکیلاتی حکومت‌های اسلامی تداوم یافت. این نوشتار بر آن است تا پس از ارائه پیشینه‌ای از این نهاد در دوره ساسانیان، سیر تحول آن را در دوره اسلامی پی‌گیرد و بر اساس منابع اسلامی و یهودی تصویری از این نهاد، شامل نحوه انتخاب رأس جالوت، آداب و رسوم بر تخت نشستن او، وظایف سیاسی، اداری و قضایی وی و مناسبات این نهاد با حکومت‌های اسلامی به دست دهد.

کلیدواژه‌ها: یهودیان، ریاست یهودیان، رش جالوت، رأس الجالوت.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۰/۹.

این مقاله در اصل به سفارش *دانشنامه جهان اسلام* تألیف شده که چکیده‌ای از آن ذیل مدخل رأس الجالوت به چاپ خواهد رسید.

۲. رایانامه: n.zeilabi@gmail.com

رأس الجالوت/ رأس جالوت ترکیبی است از واژه عربی رأس به معنی سر و واژه جالوت به معنی تبعیدشدگان. منابع لغوی و برخی از تفاسیر قرآن، واژه جالوت را در اصل غیر عربی^۱ و آن را با واژه آرامی galuta و واژه عبری galut به معنی تبعید و آوارگی مرتبط دانسته‌اند؛^۲ بر همین اساس در منابع عبری، این عنوان رُش گالوت/ رُش گالوت/ رُش گالوتا ضبط شده است. رأس جالوت در اصطلاح، عنوان رئیس جامعه یهودیان و مقام واسط میان حکومت‌ها و اتباع یهودی آن‌ها در سرزمین‌های شرقی (ایران، بین‌النهرین و عراق) بوده است.

بخش بزرگی از تاریخ ریاست و رهبری یهودیان در تبعید تا اواخر سده دوم میلادی در ابهام باقی مانده و منابع معتبری برای پی بردن به چگونگی این تشکیلات تا این مقطع تاریخی بر جای نمانده است. با توجه به ساختار مذهبی جامعه یهود و تمایل آن‌ها به سازماندهی جامعه از طریق نهاد دین و واگذاری مناصب مرتبط با ریاست به آن دسته از بزرگان دینی که از نظر نسب نیز خالص تلقی می‌شدند و با توجه به اصل آرمان‌های مسیحایی در سازمان سیاسی یهود و تداوم این سنت در جوامع یهودی، می‌توان حدس زد که عالمان و بزرگان دینی در جایگاه رهبری جامعه قرار می‌گرفتند و به‌طور طبیعی، این افراد از سوی حکومت‌ها هم به‌عنوان واسطه ارتباط میان دولت و اتباع یهودی پذیرفته می‌شدند؛ چنان‌که وجوب نسب بردن از خاندان داوود در مقام رُش گالوتا بر همین پایه‌های دینی استوار بود.^۳ هر چند برخی از پژوهش‌گران^۴ به سبب شرح وظایف عمدتاً اداری رأس جالوت این مقام را در دسته مقام‌های عرفی (سکولار) دسته‌بندی کرده‌اند، اما به نظر می‌رسد از نگاه جامعه یهودی اعتبار دینی و اداری رأس جالوت از هم متمایز نبوده است.^۵ برغم وجود اشاراتی در عهد عتیق^۶ مبنی بر تشکیل نهاد رُش گالوتا در واپسین سال‌های تبعید یهودیان به بابل (سده ششم قبل از میلاد)، ظاهراً این قول عام‌تر که تأسیس این نهاد به دوره اشکانیان در اواخر سده دوم میلادی باز می‌گردد از مقبولیت بیشتری برخوردار است. در این زمان نخستین بار، در بین‌النهرین «هونا»^۷ (۱۷۰-۲۱۰ م) از تبار پسری

۱. راغب اصفهانی، ذیل جلت؛ زمخشری، ذیل بقره: ۲۴۷؛ جوالیقی، ۱۰۴؛ ابن منظور، ذیل جلت؛ نیز نک: جفری، ۹۷.

2. Horovitz, p.106.

۳. برای شرح و منابع این مطلب نک: ادامه مقاله.

4. Goitein, p.17.

۵. نک: ادامه مقاله.

۶. کتاب دوم پادشاهان، ۲۷-۳۰؛ ارمیا، ۵۲: ۳۱-۳۴.

7. Huna.

خاندان داوود ریاست یهودیان را مستقل از ریاست «یهودا ناسی»^۱ که در فلسطین مستقر بود، بر عهده گرفت.^۲

در زمان ساسانیان، بین النهرین پایگاه مهم یهودیان شرق بود. به‌ویژه از ۴۱۵م با انحلال شورای سنهدرین^۳ در فلسطین و نیز مهاجرت بسیاری از یهودیان به بابل در پی فشار دولت روم روم بر یهودیان فلسطین، مرکزیت یهود به‌طور کامل به بین النهرین منتقل شد.^۴ در زمان ساسانیان به تدریج سه مرکز علمی^۵ سورا^۶، پومبیدیتا^۷ و نهردعا^۸ در بین‌النهرین تشکیل و به مهم‌ترین مرکز علمی یهودی تبدیل شد. رؤسای این مراکز موسوم به گائون (جمع: گئونیم)، نخستین مقام‌های عالی رتبه یهودی محسوب می‌شدند. در ساختار ریاست جامعه یهود، مقام رش گالوتا در رتبه دوم پس از گائون قرار داشت. از این مراکز سه گانه مرکز سورا برتر از دو دیگر بود و انتخاب یا به عبارت بهتر اعلام نام و مقام رش‌گالوت جدید را که بر اصل وراثت استوار بود بر عهده داشت.^۹

چون رش‌گالوت افزون بر شأن علمی و دینی، مقامی سیاسی و رابط جامعه یهودیان و دولت بود، از لحاظ قدرت و ثروت و نفوذ بر گائون‌ها برتری داشت. در دوره ساسانی جایگاه سیاسی و اجتماعی رأس الجالوت در میان طبقه حاکم بر اساس سیاست‌های مرسوم هر یک از پادشاهان ساسانی در قبال اتباع یهودی در نوسان بود؛ چنان‌که گاه از احترام و موقعیت بالایی برخوردار بودند و گاه مورد غضب قرار می‌گرفتند. برای مثال در دوره یزدگرد اول (حک: ۳۷۹-۴۲۰م) روابط دوستانه حکومت با یهودیان در سطحی بود که بنا بر کتاب پهلوی شهرستان‌های

1. Judah ha Nasi.

۲. *Judaica*, "Exilarch, until the Arab conquest", vol6.p.1023-1025. پیش از آن در نیمه سده دوم میلادی زمانی که شمعون بن جمالیل/گمالیل دوم مستقر در فلسطین ریاست یهودیان را بر عهده داشت، جامعه یهودی ایران و بین‌النهرین هم تحت سلطه و اقتدار او قرار داشت (شهبازی، ج ۱، ۴۲۳).

3. Sanhedrin.

۴. بنیامین، ۳۸۴-۳۸۷؛ نصر، ج ۱، ۲۷.

۵. این مراکز علمی در متون عربی و عبری با عنوان‌های مدرسه و یشیوا و در تحقیقات جدید با عنوان آکادمی هم هم خوانده شده‌اند.

6. Sura.

7. Pumbedita.

8. Nehardea.

۹. بنیامین، همانجا.

ایران‌شهر^۱، شوشندخت دختر رش‌گالوت، شاه یهودان، همسر یزدگرد بود.^۲ با این حال در ۴۷۰م، ۴۷۰م، فیروز(حک: ۳۵۷-۴۸۴م) که در منابع یهودی به فیروز ظالم شهرت یافته، رش‌گالوت، هونای پنجم را اعدام کرد و از آن پس به مدت چهارده سال کسی در این مقام جای نگرفت.^۳ در دوره قباد(حک: ۴۸۷-۵۳۱) یهودیان، شهر ماحوزا در حومه تیسفون (در ساحل شرقی دجله) را تصرف کردند و به رهبری رأس جالوت، مرزوترای دوم^۴ (۵۰۸-۵۲۰) فرزند راب هونای هونای ششم، با استفاده از فضای آشفته پس از ظهور مزدک، در شورشی علیه دولت استقلال جامعه خود را اعلام کردند و به تعبیری سلطنت یهودی مستقلی را در بین‌النهرین بنیان نهادند^۵ و ماحوزا را به عنوان پایتخت اعلام کردند. در ۵۰۲م ارتش ساسانی ماحوزا را تصرف کرد و رش‌گالوت مرزوترا و دیگر سران شورش اعدام شدند و نهاد رأس جالوت تا مدت‌ها تعطیل شد.^۶

هم‌زمان با ظهور اسلام مرکز تجمع یهودیان هم‌چنان در بین‌النهرین بود و ریاست آن‌ها را بوستانای بن‌حنینای(۶۱۰-۶۶۰م) بر عهده داشت.^۷ در میان یهودیان مشهور بوده است که در جریان فتوحات، عمرین خطاب (یا علی علیه السلام) بوستانای را در مقام خود ابقا کرد و یکی از دختران یزدگرد پادشاه ایران را که به اسارت درآمده بود به ازدواج او درآورد،^۸ اما منابع اسلامی به این وقایع اشاره نکرده‌اند. احتمالاً آن بخش از داستان که از روابط محبت‌آمیز خلیفه با رهبر یهودیان سخن می‌گوید و متضمن این پیام است که خلفا ساختار و تشکیلات آن‌ها را به رسمیت شناخته‌اند، بایست برای جلب عنایت مسلمانان به جامعه یهودی جعل شده باشد. فقره دوم روایت، یعنی خویشاوندی بوستانای با خاندان یزدگرد، با این‌که می‌تواند ساختگی باشد، در میان یهودیان از چنان مقبولیتی برخوردار شد که تا مدت‌ها مناقشات شدیدی را در

۱. ۴۱۷.

۲. همسر یزدگرد و مادر بهرام گور که بنای شهرهای شوش و شوشتر و حتی اصفهان نیز به او منسوب است (نک:

نک: لوی، ۲/ ۲۶۲؛ نئصر، ج ۱، ۲۹-۳۰).

۳. لوی، ۲/ ۲۷۰-۲۷۱؛ نئصر، ۱/ ۳۳.

4. Mar Zutra.

5. Judaica, ibid.

6. لوی، ۲/ ۲۸۰-۲۸۱؛ نئصر، ۱/ ۳۶؛ Judaica, ibid.

۷. لوی، ۲/ ۲۹۵؛ بنیامین تطیلی، ۳۸۷.

۸. برای اقوال مختلف در این باره و نقد آن‌ها نک: لوی، ۲/ ۳۲۵-۳۲۶؛

Judaica, ibid; Encyclopedia of Jews in the Islamic World, vol.2, pp.181-182.

میان خاخام‌های یهودی بر سر مشروعیت نسل‌های رأس جالوت برانگیخت؛ زیرا در فرزندان بوستانای خون یک شاهزاده ایرانی غیر یهودی جاری شده و شرط نژاد خالص یهودی در تصدی این مقام نقض شده بود. با این همه بر اساس منابع یهودی، مقام رأس جالوت ظاهراً تا عصر منصور عباسی (حک: ۱۳۶-۱۵۸) در خانواده بوستانای موروثی بوده است.

در منابع اسلامی ذکر قابل ملاحظه‌ای درباره بوستانای و جانشینان وی نیامده و اساساً اشارات درباره رأس جالوت و تشکیلات مرتبط با آن بسیار مبهم و پراکنده است: در این منابع گاه از رأس جالوت به عنوان مقام دینی و اداری جامعه یهودی یاد شده است^۱ و یا در برخی از منابع^۲ در ذکر تعقیب عیسی (ع)، از دشمنی رأس جالوت - به عنوان سرکرده یهودیان - با وی سخن به میان آمده است. همچنین برخی از مورخان مسلمان^۳ در ذیل حادثه کربلا و شهادت امام حسین علیه‌السلام این خبر را آورده‌اند که رأس جالوت، مسلمانان را برای قتل فرزند پیغمبرشان سرزنش کرده است. همچنین پیش‌گویی‌هایی مربوط به حادثه کربلا به «رأس الجالوت/ ابن رأس الجالوت» نسبت داده شده است.^۴ نیز بنابر باوری عام که مسلمانان یهودیان و احبار یهود را در انجام امور جادویی توانا می‌دانستند، در مباحثی که به نوعی حاکی از امور خارق‌العاده است، نام «رأس الجالوت» به میان آمده است.^۵ نیز در برخی از روایات مربوط به نسب‌شناسی بر سر صحت نسب رأس جالوت بحث شده است.^۶ همچنین در برخی از منابع شیعی از مناظره رأس جالوت با امام علی بن ابی‌طالب (ع) و نیز مناظره وی با امام رضا (ع) در دربار مأمون عباسی (حک: ۱۹۸-۲۱۸) سخن گفته شده و در همین زمینه «حدیث رأس الجالوت» و شرح‌های آن شهرت دارد.^۷

۱. نک: قزوینی، آثار البلاد، فارسی، ۳۶۴؛ مقریزی، ۴/ ۳۷۵-۳۷۶.

۲. برای نمونه نک: ابن کثیر، ۲/ ۹۳؛ ابن حجر، ۴/ ۶۳۸.

۳. برای نمونه ابن سعد، ۶/ ۴۵۲.

۴. برای نمونه نک: همو، ۶/ ۴۵۵؛ طبری، ۵/ ۳۹۳؛ ذهبی، ۵/ ۱۶.

۵. برای نمونه درباره آینه‌ای جادویی که رأس جالوت در اختیار داشته و مروان بن محمد در آن تصاویر ناخوشایند ناخوشایند دید و گردن رأس جالوت را زد. نک: طبری، ۷/ ۵۳۴؛ ابن جوزی منتظم، ۸/ ۴۷.

۶. ابن حزم، ۸؛ ابن کثیر، ۲/ ۹۳.

۷. برای نمونه نک: کلینی، ۱/ ۸۹-۹۰؛ آقابزرگ تهرانی، ۲/ ۴۲۲؛ ۱۳/ ۱۹۹؛ ۱۶/ ۷۰، ۳۴۰-۳۴۱؛ امین، ۱/ ۱۰۱؛

۲/ ۵۹۲؛ ۹/ ۳۴۴؛ ۱۰/ ۴۲؛ نیز نک: نراقی، شرح حدیث رأس الجالوت، تحقیق محمد رضا حسینی.

به هرروی، این اشارات پراکنده در منابع عربی، نشان می‌دهد که نویسندگان مسلمان در قرون اولیه اسلامی، اگرچه تاریخ و تشکیلات این نهاد را به دقت تعقیب نمی‌کرده‌اند، عنوان «رأس الجالوت» را می‌شناخته‌اند و ظاهراً میان یهودیان جالوتی یا ربانی، یعنی یهودیان تحت رهبری رأس جالوت با یهودیان قرائی تمایز می‌نهادند.^۱ در دوره منصور عباسی، مقام رأس جالوت که در خاندان بوستانای موروئی بود، انتخابی شد^۲ و به نظر می‌رسد از این دوره به بعد، افزون بر گائونها، خود خلفای عباسی نیز مستقیماً در انتخاب رأس جالوت دخالت می‌کرده‌اند؛^۳ هرچند همواره رقابت شدید میان بزرگان یهودی برای کسب مقام رأس جالوت موجب بروز اختلافات و منازعاتی در جامعه یهودیان و حتی تغییراتی اساسی در ساختار تشکیلاتی ریاست آن‌ها می‌شده است،^۴ مثلاً در زمان خلیفه مقتفی (حک: ۵۳۰-۵۵۵)، سلیمان بن حسدای^۵ به ریاست یهودیان ناحیه شرق فرات انتخاب شد و در زمان دیدار رابی بنیامین تطیلی از بغداد، هنوز ریاست سیاسی و اداری یهودیان با رأس جالوت و ریاست دینی آنان در اختیار مقامی موسوم به رأس المئیبه^۶ بود. رأس المئیبه در این ایام، صموئیل بن علی لای مشهور به ابن الدستور بود. پس از مرگ سلیمان، پسرش دانیال رأس جالوت شد، اما چون خود او پسری نداشت پس از مرگش در زمان خلافت مستنجد (حک: ۵۵۵-۵۵۶)، بر سر جانشینی او میان برادرزادگانش اختلاف افتاد و ابن‌الدستور نیز با استفاده از این فرصت، مقام رأس جالوت را به منصب خود ضمیمه کرد و ظاهراً از آن به بعد، یهودیان از لحاظ دینی، سیاسی و اداری تحت نظارت یک مقام مرجع درآمدند.^۷ مورخان یهودی از رؤسای مئیه بعد از ابن‌الدستور، در مقام ریاست کل یهودیان سرزمین‌های مرکزی اسلامی اطلاعات قابل توجهی به دست نداده‌اند؛ اما بر

۱. هرچند در رشد فرقه قرائیم، عنان بن داود که خود رأس جالوت عراق در عصر منصور عباسی بود، نقش عمده‌ای داشته است (مقریزی، ۲/۴، ۹۴۴، ۹۵۱-۹۵۲؛ *The Jewish Encyclopedia*, vol5, p.293).

۲. لوی، ۲/۳۴۴.

۳. همو، ۲/۳۴۳.

۴. همو، ۲/۳۹۲-۳۹۴؛ *Encyclopedia of Jews in the Islamic World*, vol2, p.183.

5. Solomon b. Hisdai.

۶. رأس المئیبه به معنی رئیس جامعه/ مدرسه دینی یهودیان، مأخوذ از مسیوتا/ مئیهتای عبری به معنی جامعه و مدرسه است.

۷. بنیامین، ۲۹۹، پانویس ۲، ۳۰۱، پانویس ۱؛ همان، تکلمة عزرا حداد، ۳۸۶-۳۸۷، ۳۸۹-۳۹۰؛ ابن ساعی، ۲۶۶،

پانویس ۲.

اساس اشاراتی از نویسندگان مسلمان، ریاست یهودیان هم‌چنان تا نیمه قرن هفتم هجری در خاندان ابن‌الدستور باقی بوده است.^۱

در حمله مغولان به بغداد ظاهراً جامعه یهود آسیب چندانی ندید. در دایرة المعارف یهود^۲ بی ذکر مأخذ آمده است که هلاگو در حمله به بغداد با یهودیان بغداد و رأس جالوت که در آن زمان صموئیل / شموئیل بن داوود^۳ (۶۳۸-۶۶۸/۱۲۴۰-۱۲۷۰) بود رفتاری مداراجویانه داشت؛ اما در باب ادامه حیات این نهاد از حمله مغول به بعد اطلاع کافی در دست نیست.

اعلام حکمرانی رأس جالوت و نخستین روزهای بر کرسی نشستن او با آداب و تشریفات خاص انجام می‌شد. نخستین مراسم بیعت در روز پنج‌شنبه در کنیسه برگزار می‌شد. این مراسم با نوای بوق و کرنا اعلام می‌شد و هر کس متناسب با درآمد و توانش برای رأس جالوت هدیه‌ای می‌آورد. علمای یهود، بزرگان و تجار برای او لباس‌های قیمتی، طلا، نقره و جواهر می‌آوردند. از عصر پنج‌شنبه تا جمعه رأس جالوت مهمانی‌های بزرگ و مجلل برپا می‌کرد. در روز شنبه بزرگان دینی او را تا کنیسه همراهی می‌کردند. در کنیسه جایگاهی چوبی پوشیده با روکشی گران‌قیمت و بر بالای جایگاه چتری مرصع به جواهرات قیمتی، برای او مهیا می‌شد. در آغاز مراسم گروهی از جوانان خوش صدا سرودهای مذهبی می‌خواندند. بعد از اقامه نماز رأس جالوت روبه‌روی حاضران می‌ایستاد. همه تا زمانی که او در جایگاه مخصوص بنشیند قیام می‌کردند. پس از جلوس رأس جالوت، دو گائون از مراکز علمی سورا و پومبیدیتا در طرفین او می‌ایستادند و تعظیم می‌کردند. سپس مراسم دعا و آمین برگزار می‌شد و پس از آن رأس جالوت خطابه‌ای ایراد می‌کرد یا قرائت متنی را که خود نوشته بود به یکی از گائون‌ها (معمولاً گائون سورا) واگذار می‌کرد. پس از آن بخش‌هایی از تورات خوانده می‌شد و آیاتی هم توسط رأس جالوت قرائت می‌شد. پس از پایان مراسم، همه حاضران رأس جالوت را تا خانه‌اش همراهی می‌کردند. پس از آن او به جز شنبه‌ها و گاه مهمانی‌ها به ندرت از خانه بیرون می‌آمد و در این موارد با کجاوه مخصوص و ملازمانی معین -از علمای یهود که به آن‌ها عنوان ربانیان

۱. ابن‌ساعی، ۲۶۶-۲۸۳؛ ابن‌فوطی، ۳۰، ۲۵۹، ۲۷۰، ۲۹۳؛ نیز نک: بنیامین، تکملة عزرا حداد، ۳۹۱.

۲. ۱۰۳۳/۶.

3. Samuel b. David.

رش گالوتا اطلاق می‌شد - حرکت می‌کرد.^۱ ملازمان علائمی بر لباس خود داشتند که نشان‌دهنده مقام ملازمت رأس جالوت بود.^۲

مراسم ملاقات رأس جالوت با خلیفه اسلامی نیز با تشریفات ویژه همراه بود. پس از تعیین وقت ملاقات، رأس جالوت با گروهی از ملازمان یهودی و مسلمان، سوار بر کجاوه مخصوص یا اسبی با زین و یراق مخصوص حرکت می‌کرد. او لباسی سراسر ابریشمین بر تن و عمامه‌ای بزرگ بر سر داشت که اطراف آن با شعار خلافت منقوش شده بود. هم‌چنین کمربندی که نشان مخصوص مقامش بود بر کمر می‌بست. در مسیر، دورباشان رسمی دربار ندا می‌دادند که راه را برای رأس جالوت - «سیدنا ابن داوود»- باز کنند.^۳ رأس جالوت، بر در کاخ خلیفه، مدتی برای اذن دخول درنگ می‌کرد. هنگامی که وارد کاخ می‌شد گروهی از مقامات و خدمت‌کاران به استقبال او می‌رفتند. به هنگام ورود وی همگان برمی‌خاستند و در نهایت او بر کرسی مخصوصی روبه‌روی خلیفه می‌نشست و ابتدا از روی متنی از پیش تهیه شده می‌خواند و سپس شمرده و آرام سخن می‌گفت.^۴ سپس خلیفه بر سر او دست می‌گذاشت و مقام او را تنفیذ و اعلام می‌کرد. پس از این مراسم، بار دیگر با موکب خاص و همراه با نواختن طبل و بوق به خانه‌اش باز می‌گشت.^۵ پس از آن خلیفه جشن بزرگی به مناسبت تنفیذ رأس جالوت برپا می‌کرد و طی این جشن، رأس جالوت هدایای ارزشمندی برای خلیفه و تمام رجال قصر می‌فرستاد.^۶ در گزارشی از ابن فوطی^۷ در قرن هفتم، حکم انتصاب رئیس یهودیان را وزیر و قاضی القضاات تنفیذ می‌کرده‌اند.

سرای رأس جالوت مقر مرجعیت او و مرکزی اداری و سیاسی محسوب می‌شد. در نخستین روز بر کرسی نشستن رأس جالوت از بام خانه او ندا در می‌دادند که: «ای بنی اسرائیل مانند دیگر مردم فقط به قصد خوش بودن خوش‌گذرانی نکنید». به‌رغم این بیانیه رسمی، ثروت و دارایی‌های کلان او و مهمانی‌های بزرگی که در خانه‌اش برگزار می‌شد، همه حاکی از زندگی

1. Judaica, *ibid*; *The Jewish Encyclopedia*, vol.5, p.292.

۲. همانجا.

۳. مسلمانان رأس جالوت را با عنوان «سیدنا ابن داوود» خطاب می‌کردند (بنیامین تطیلی، ۳۰۰-۳۰۲).

4. Judaica, *ibid*.

۵. بنیامین، ۳۰۳.

۶. همو، همانجا.

۷. ۲۷۰، ۲۹۳.

اشرافی و مجلل او بود.^۱ رأس جالوت از ثروتمندترین افراد جامعه یهود به شمار می‌رفت. زمین‌ها، باغ‌ها و املاک بسیاری از اجدادش به ارث می‌برد که هیچ مرجعی حق تعرض به آن‌ها را نداشت.^۲ رسم نواختن طبل توسط طبل‌داران حکومتی بر در سرای مقام‌های دولتی، بر در خانه رأس جالوت هم هر صبح و شام اجرا می‌شد.^۳

رأس جالوت به عنوان رابط میان جامعه یهودی و حکومت اسلامی اداره امور مربوط به آن، از جمله تضمین اجرای قوانین دولتی در جامعه یهودی و ایجاد ارتباط حسنه میان دولت و یهودیان را بر عهده داشت.^۴ طبق منابع یهودی،^۵ مهم‌ترین وظیفه او جمع‌آوری مالیات و پرداخت آن به دیوان خراج بود.^۶ رأس جالوت علاوه بر جمع‌آوری جزیه و خراج، مالیات دیگری دیگری هم به عنوان تأمین مالی مدارس علمی یهودی از یهودیان دریافت می‌کرد. هم‌چنین تعیین ناظرانی برای بازارهای یهودیان به منظور رسیدگی به شکایات در بازار و نظارت بر نرخ‌ها از وظایف وی بود که انتفاع مالی نیز به همراه داشت. این وظیفه، یعنی مدیریت اقتصادی جامعه یهود، امکانات مادی زیادی در جهت بسط سیطره قدرت و نفوذ وی فراهم می‌آورد و او را عملاً در مقامی برتر از گائون که تنها در حوزه‌های علمی و دینی فعالیت داشت، قرار می‌داد.^۷ می‌داد. درباره نسبت مقام گائون و رأس جالوت در دوره اسلامی از منابع چنین فهمیده می‌شود که با این‌که از لحاظ جایگاه علمی و دینی و سنت‌های مرسوم در تشکیلات یهودی، گائون برتر از رأس جالوت بود و رأس جالوت در اصل مقامی سیاسی و اداری تلقی می‌شد، در مواقعی که رأس جالوت مرجعیتی علمی داشت، می‌توانست ریاست مراکز علمی را هم بر عهده بگیرد؛ هر چند در این مواقع هم رأس جالوت خوانده می‌شد و عنوان گائون به او اطلاق نمی‌شد. یک نمونه مربوط به ۴۲۹هـ / ۱۰۳۸م است که رأس جالوت، حزقیای بن داوود، در مقام

1. *Judaica*, *ibid.*

۲. بنیامین، ۳۰۳.

3. *Judaica*, *ibid.*

۴. بنیامین، ۳۸۴-۳۸۵.

5. *Judaica*, *ibid.*

۶. ابن جوزی، ۱۹۸/۱۷؛ ابن فوطی، ۳۰؛ لوی، ۳۳۱/۲.

7. *exilarch "Iranica"*.

علمی ریاست مرکز علمی هم قرار گرفت و تنها مرجعی بود که علاوه بر وظایف سیاسی و اداری به پرسش‌های دینی هم پاسخ می‌داد.^۱

از دیگر وظایف مهم رأس جالوت قضاوت و نظارت بر امور قضایی جامعه یهودی بود. او در موارد مناقشات جامعه یهود بغداد، به‌ویژه جرم‌های جنایی، قضاوت می‌کرد و قضات نواحی دیگر را هم تعیین می‌کرد.^۲

به نوشته بنیامین تطیلی^۳ یهودیان ساکن در نواحی عراق، خراسان، یمن، ارمینیه و اللان و قفقاز، هند و تبت و دیگر مناطق تحت حکومت خلیفه عباسی، تحت نفوذ رأس جالوت عراق بودند. رابیون و رؤسای همه این مناطق را هم رأس الجالوت انتخاب می‌کرد. این رؤسای محلی موظف بودند در آغاز کار در سرای رأس جالوت در بغداد حاضر شوند و هدایای خود را تقدیم دارند. به نوشته بنیامین^۴ در قلاع حشاشین دماوند هم، علمایی یهودی سکونت داشتند که تحت نفوذ رأس جالوت بودند و از او فرمان می‌بردند. در مناطق تحت ریاست رأس جالوت، گاه نفوذ و وساطت او در پایان دادن به غائله‌هایی که یهودیان در آن نقش داشتند می‌توانست مؤثر واقع شود؛ برای نمونه در قلمرو سلجوقیان، در پی شورش داوود بن روحی، یهودیان بسیاری تحت تعقیب و آزار حکومت قرار گرفته بودند. رأس جالوت نامه‌ای به داوود نوشت و او را تهدید کرد. هم‌چنین مبلغ صد هزار دینار برای حاکم سلجوقی فرستاد و از او خواست امنیت یهودیان را تضمین کند.^۵

کنیسه‌ای بزرگ در بغداد موسوم به کنیسه رأس جالوت محل برگزاری نمازها و اعیادی بود که رأس جالوت در آن شرکت می‌کرد. ستون‌های مرمرین این کنیسه با رنگ‌های طلایی و نقره‌ای تزیین شده و بر بالای ستون‌ها آیاتی از تورات با حروفی طلایی نقش شده بود. در بالاترین قسمت فضای داخلی کنیسه بر بالای ده پله مرمرین، کرسی مخصوص رأس جالوت قرار داشت.^۶

1. Goitein, pp. 17-18.

۲. ابن فوطی، ۲۷۰، ۲۹۳؛ لوی، همانجا.

۳. ۳۰۲-۳۰۳، ۳۳۰، ۳۳۲-۳۳۳.

۴. ۳۲۵.

۵. بنیامین، ۳۲۹-۳۳۰.

۶. بنیامین، ۳۰۴؛ نیز همو (۲۹۱) از کنیسه بستانای رأس جالوت واقع در شهر انبار، ساخته شده در قرن اول هجری، خبر داده است.

اطلاعات درباره نهاد رأس جالوت در شرق اسلامی پس از قرن هفتم هجری بسیار پراکنده و ناقص است؛ به طوری که نمی‌توان تصویر روشنی از این نهاد به دست داد؛ اما در سرزمین‌های غرب جهان اسلام سیر تطور این نهاد از قرن پنجم به بعد روشن‌تر است، چنان‌که بر اساس منابع، یهودیان مصر تا نیمه سده پنجم تحت رهبری رأس جالوت بغداد قرار داشتند. اسناد جنیزه نشان می‌دهد که از قاهره هدایای بسیار و نامه‌هایی حاوی پرسش‌های مذهبی و مالی به رأس جالوت ارسال می‌شده است.^۱ اما از حدود ۴۵۷هـ/۱۰۶۵م نهاد رأس الیهود یا ناچد (به عبری ناگد، به معنای امیر، جمع: نگیدیم) ایجاد شد و یهودیان مصر که به نسبت یهودیان ایران و بغداد جمعیت بیشتری داشتند، از سیطره رأس جالوت بغداد خارج شدند. این نهاد را خلفای فاطمی نیز تأیید و تقویت کردند. به نظر می‌رسد مخالفت سیاسی دولت فاطمی با دستگاه خلافت بغداد در شکل‌گیری این نهاد نقش موثری داشته است.^۲ وظایف و مسؤولیت‌های رئیس الیهود به تدریج در دوران فاطمیان و ایوبیان توسعه یافت و در زمان ممالیک این منصب جایگاه تثبیت شده‌ای یافت. به نوشته قلقشندی^۳ رئیس الیهود در ابتدا از میان ربانیان انتخاب می‌شده است، اما در دوره‌های متأخر عصر مملوکی فرقه‌های سه‌گانه یهود هر یک رئیس جداگانه‌ای داشتند. به گزارش قلقشندی^۴ منصب قضاوت در میان یهود بر اساس قواعد دین یهود بر عهده رأس الیهود بود، وی هم‌چنین وظیفه داشت یهودیان را از التباس با مسلمانان در حمام‌ها باز دارد و بدین منظور آنان را مجبور بودند با دوختن غبار (وصله‌های زرد و قرمز) بر آستین لباس از جمع مسلمین متمایز شوند.

کتابشناسی

- ابن جوزی، *المنتظم*، چاپ محمد عبدالقادر عطا، و مصطفی عبدالقادر، بیروت ۱۴۱۲/۱۹۹۳م.
حبیب لوی، *تاریخ یهود ایران*، تهران، ۱۳۳۹ش.
ابن حجر عسقلانی، *الاصابة فی تمییز الصحابة*، چاپ عادل احمد عبدالموجود، بیروت، ۱۴۱۵/۱۹۹۵م.
ابن حزم، *جمهرة انساب العرب*، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳م.
ابن‌ساعی، *الجامع المختصر*، چاپ مصطفی جواد، بیروت ۱۳۵۳/۱۹۳۴م.

1. Mann, vol.1, pp.255-257.

2. Mann, Ibid.

۳. ۳۸۶-۳۸۵/۱۱.۳

۴. ۳۹۱-۳۹۰.۹۹/۱۱.۴

- ابن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، ۱۴۰۵/۱۹۸۵م.
- ابن فوطی، الحوادث الجامعة، چاپ بشار عواد معروف و عماد عبدالسلام رؤوف، بیروت ۱۹۹۷م.
- ابن کثیر، البداية و النهاية، بیروت، ۱۴۱۱/۱۹۹۰م.
- ابن منظور، لسان العرب، چاپ علی شیری، بیروت، ۱۴۱۲هـ.
- امنون نصتر، «سیری در تاریخ یهود ایران»، در یادیاوند، ج ۱، لس آنجلس ۱۹۹۶م.
- امین، محسن، اعیان الشیعة، بیروت، ۱۹۸۳م.
- آقازرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، تهران، ۱۳۲۹ش.
- بنیامین تطیلی، رحلة بنیامین تطیلی، ۵۶۹-۵۶۱ هـ / ۱۱۶۵-۱۱۷۳، تکملة عزرا حداد، چاپ عبدالرحمن عبدالله شیخ، ابوظبی، ۱۴۲۳/۲۰۰۲م.
- جوالبقی، موهوب بن احمد، المعرب من الکلام الاعجمی علی حروف المعجم، چاپ احمد محمد شاکر، قاهرة، ۱۳۶۱هـ.
- ذهبی، تاریخ الاسلام، حوادث و وفیات ۶۰-۸۱هـ چاپ عمر عبدالسلام تدمری، بیروت ۱۴۱۸/۱۹۹۸م.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، چاپ محمد سید کیلانی، تهران، ۱۳۳۲ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل، بیروت، ۱۳۶۶/۱۹۴۷م.
- شهبازی، عبدالله، زرسالاران یهودی و پارسی، استعمار بریتانیا و ایران، تهران، ۱۳۷۷ش.
- شهرستان‌های ایرانشهر، ترجمه صادق هدایت، در نوشته‌های پراکنده صادق هدایت، چاپ حسن قائمیان، تهران، ۱۳۸۵ش.
- طبری، تاریخ، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۳۸۲-۱۳۸۷/۱۹۶۲-۱۹۶۷.
- قزوینی، آثارالبلاد و اخبار العباد، بیروت، ۱۴۰۴/۱۹۸۴.
- قلفشندی، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، قاهرة، ۱۹۱۳-۱۹۲۰.
- کلینی، الکافی، بیروت، ۱۴۰۱هـ.
- مقریزی، خطط، چاپ ایمن فؤاد سید، لندن، ۲۰۰۲م.
- نراقی، شرح حدیث رأس الجالوت، چاپ محمد رضا حسینی، بی تا.

Encyclopedia of Jews in the Islamic World, ed. Norman A. Stillman, Leiden-Boston 2010, sv. "Exilarch and Exilarchate" (by Arnold Franklin).

The Jewish Encyclopedia, ed. Isidore Singer, New York, s.v., "Exilarch" (by W. Bacher).

Judaica, s.vv., “Exilarch. Until the Arab Conquest” (by Ja. N), “Exilarch, During the Arab Period”, (by: El. B.).

Jacob Mann, *The Jews in Egypt and Palestine under the Fatimid Caliphs*, London, 1961.

Goitein, Solomon Deb Fritz, A. *Mediterranean Society: The Jewish Communities of the Arab World as Portrayed in the Documents of the Cairo Geniza*, Brekeley, 1967.

Horowitz, Josef, *Koranische Untersuchungen*, Berlin, 1926.

Jeffery, Arthur, *The Foreign Vocabulary of the Quran*, Baroda, 1938.

Archive of SID